

ماجرای عشق و عاشقی میدون

فرزاد حسنی را صادر کنیم

● **پوریا عالمی:** من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوفیا. بابای سوفیا اما عاشق من نیست. دیروز هم که رفتم خواستگاری، بابای سوفیا گفت: پسر می‌دانی که من روی وطن و ناموس و پرسپولیس حساسم، درست؟ در نتیجه روی صداوسیما هم حساس هستم چون صداوسیما دارد بسا پول من و تو می‌چرخد. اینکه پول من و تو را خرج یک چیزی کنند که به درد من و تو نمی‌خورد و من و تو برویم جم نگاه کنیم یک‌طوری نیست؟ گفتم: چرا. واقعا یک‌طوری است. بابای سوفیا گفت: الان هم که سرافراز رفته و عسگری آمده شده رئیس صداوسیما، چه راهکاری به ذهنت می‌رسد که تلویزیون از این وضعیت خلاص شود؟ گفتم: به نظرم تلویزیون برای اینکه موفق شود چندتا راه دارد: ۱- تلویزیون ایران تبلیغ برنامه‌هاش را توی شبکه‌های دیگه کند تا مردم ببینند تلویزیون ایران چه برنامه‌هایی دارد. ۲- از آجا که این شبکه‌ها به کمک سینمای ایران آمدند و با تبلیغ فیلم‌ها در آنها کلی آدم می‌روند سینما، سینمای ایران مدیون است پس سینمای ایران هم تبلیغ آنها را نکند. آنها هم که تبلیغ صداوسیما را می‌کنند. پس ما آنها رو غافلگیر می‌کنیم و این‌طوری بعد از صد سال همه مخاطبان دنیا، مخاطب صداوسیما می‌شوند. ۳- از آجا که فرزاد حسنی و خجالتی که مخاطبش را می‌دهد، باعث دلسردی مردم از تلویزیون شده، فرزاد حسنی را صادر کنیم به شبکه‌های خارجی. این‌طوری کسی اونارو نگاه نمی‌کنه. ۴- سریال‌های ایرانی را بدهیم اون شبکه‌ها و سریال‌های اونارو از صداوسیما پخش کنیم. این‌طوری مردم دی‌وی‌دی سریال‌های ایرانی را از کنار خیابان می‌خرند و بقیه هم ورشکست می‌شوند و بسا ما قرارداد عدم همکاری می‌بندند و سالانه حاضرند صدمیلیون دلار بدهند که ما آشنایی باهاش نداریم. در نتیجه ما هم تحریم را دور زده‌ایم و آنها ضایع کرده‌ایم. ۵- به هر ایرانی بگویم اگر یارانه می‌خواهی باید روزی پنج‌ساعت برنامه تلویزیون ایران را ببینی وگرنه یارانه‌ات را قطع می‌کنیم. این‌طوری سر ماه ۷۵میلیونی از دریافت یارانه انصراف می‌دهند و مشکل اقتصادی دولت هم حل می‌شود. ۶- اگر شما به من سوفیا را بدهی، من خودم حاضرم روزی ۴۰ ساعت برنامه‌های تلویزیون ایران را نگاه کنم. بابای سوفیا گفت: پسر همه راهکارها ت نشان از عقل ولایت بود اما راهکار ششم ت نشان خودآزاری ت است پس من به تو سوفیابده نیستم تا درمان شوی. **نتیجه‌گیری:** اگر پولی که خرج تلویزیون می‌شود، خرج کویر لوت شده بود، تا الان کویر لوت شده بود جنگل‌های گلستان.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۵ ۱۱ شعبان ۱۴۳۷ ۱۸ می ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۸۶ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۵ • اذان صبح فردا ۴:۱۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۶

روزنامه‌فرا

کارتون خواب



علی میرایی

instagram.com/alimiraee



از خیام شخصیتی عامه‌پسند ساخته‌اند

فریدون جنیدی: روزی خواجه کاشانی - نخست‌وزیر پادشاه سلجوقی- به دیوان نشستہ بود. عمر خیام درآمد و گفت: «ای صدر جهان، از چہ ده‌هزار دینار معاشی هر سال من کمتر به دیوان‌عالی مانده است. نایبان دیوان را اشارتی بلیغ می‌باید تا برسانند.» خواجه گفت: «تو چه خدمت می‌کنی که هر سال ده‌هزار دینار مرسوم تو باید داد؟» عمر خیام گفت: «ای شگفتا! من چه خدمت کنم؟ هزار سال آسمان و اختران را در مدار و سیر به شیب و بالا جان باید کنند، تا از این آسیابک، دانه‌ای درست چون عمر خیام بیرون افتد و ازین هفت شهر پای بسالا و هفت دیه سرنشیب یک قافله‌سالار

دانشش چون من درآید.. اما اگر خواهی از هر دهی در نواحی کاشان چون خواجه ددهه بیرون آرم و به‌جای او نشانم که هریک از عهده کار خواجگی بیرون آید». این حکایت به حضرت سلطان ملکشاہ باز گفتند، گفت: «بالله که عمر خیام راست گفت.» یادآوری چنین روایتی از مکتوبات «خاقانی شروانی»، در روز بزرگداشت حکیم عمر خیام، هشداری است برای نسل جدید که ظلم رفته بر این حکیم و ریاضی‌دان را دریابند و بازشناسند؛ این ظلم همانا، نشناختن ویژگی‌های بارز این اندیشمند، عالم و محقق است. خیام‌شناسان پیشین- از فیزنجرالد گرفته تا صادق هدایت- همگی گویا از ظن خود یار او

تخته سبز

چرایی مقام نخست برای زابل

مژگان جمشیدی: با گذشت پنج سال از اعلام سازمان بهداشت جهانی مبنی بر اینکه اهواز نخستین شهر آلوده جهان است، این بار زابل هم در این مسیر قرار گرفته است. اگرچه سازمان حفاظت محیط زیست مطابق رسم و سنت همیشگی، آمارهای استفاده‌شده در سازمان بهداشت جهانی را به سال‌های قبل مرتبط می‌داند؛ اما به گواه آخرین بررسی‌های حاصل از سنجش از دور دفتر مهندسی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور که به‌تازگی اعلام شده، جنوب شرق ایران در محاصره بزرگ‌ترین کانون‌های تولید گردوغبار داخلی قرار دارد، به طوری که بر پایه داده‌های ماهواره‌ای حدود ۶۲.۵ درصد از کانون‌های داخلی تولید گردوغبار در این استان و جنوب کرمان قرار گرفته است که کانون هامون جازموریان و هامون زابل با سهم ۲۵ و ۱۲.۵ درصدی از کانون‌های گردوغبارهای کشور، به‌ترتیب بیشترین فراوانی گردوغبارها را به خود اختصاص داده‌اند. هر دو این کانون‌ها یک میلیون هکتار وسعت دارند که زمانی نه‌چندان دور به‌واسطه تالابی‌بودن‌شان تمدن‌های چندهزارساله‌ای را در کنار خود به وجود آوردند؛ اما اکنون به‌دلیل سوءمدیریت در بخش منابع آب، به بزرگ‌ترین قطب جذب پناهندگان محیط‌زیستی کشور تبدیل شده‌اند. ناگفته پیداست مادامی‌که آب در هامون و جازموریان جاری نشود، توفان‌های شن با شدت و قدرتی هرچه‌بیشتر بر سر و روی ساکنان جنوب و شرق ایران همچنان خواهد وزید؛ اما حیرت‌آور اینکه با وجود رشد شش‌انگام بیابان‌زایی در چهار گوشه کشور که از هر طرف در حال پیش‌روی به سمت فلات مرکزی ایران است و با شدت‌گرفتن گردوغبارها در بسیاری از شهرهای ایران به‌ویژه در جنوب شرق و جنوب غرب ایران، فقط ۶۰ میلیارد تومان قرار است برای مقابله با ریزگردها از سوی دولت اختصاص یابد، این در حالی است که برای طرح‌هایی همچون طرح انتقال آب خزر به سمنان که فقط ۷۰۰ هکتار از رویشگاه‌های جنگلی هیرکانی را نابود می‌کند و توجیه زیست‌محیطی و اقتصادی هم ندارد، بیش از دو هزار میلیارد تومان، اعتبار و بودجه پیش‌بینی می‌شود! بنابراین با روند پیش‌رو به نظر می‌رسد، پنج سال دیگر باید منتظر قرارگرفتن نام تهران و بسیاری دیگر از شهرهای کشورمان در فهرست آلوده‌ترین و پرغبارترین شهرهای دنیا باشیم.

روزنامه‌فرا

کارتون خواب

علی میرایی

instagram.com/alimiraee

داستان‌های نقطه‌دار...

چهارشنبه‌های مریم‌بانو

بهاره رهنما: فرزندداشتن یا فرزندنداشتن؛ مسئله این است! قضاوت‌ها برای این بحث و برای این عشق هزاره‌یزار قصه جلو چشم‌هایم می‌آفریند، همین‌طور که تا سال پیش هریار که به خانه سالمندان می‌رفتم، توی سرم داستان‌های عجیب‌وغریب ساخته می‌شد؛ از فرزندان بی‌مهری که پدرها و مادرهایشان را به خانه سالمندان فرستاده‌اند، اما با شنیدن یک قصه کلا ساختار ذهنی و قضاوت‌هایم تغییر کرد. قصه، قصه زنی تنها بود که به هیچ شکل امکان مالی و مسکن برای نگهداری از مادر پیر و بیمارش نداشت و با هزینه محدودی که برادرش از خارج از کشور می‌فرستاد، مادر را به خانه سالمندان فرستاده بودند. دختر آن‌قدر غصه مادر را می‌خورد که هر چهارشنبه وقتی طولانی را با مادر و بقیه در خانه سالمندان می‌گذراند؛ طوری که وقتی مریم‌بانو به دیدن مادر می‌رفت بقیه سالمندانی هم که زیاد ملاقاتی نداشتند خوشحال می‌شدند و از دیدن او ذوق می‌کردند. مادر ال‌زایمر گرفته بود. مریم بانو می‌گفت که کار دنیا برعکس شده، مادرم من را صدا می‌زند مادر، بچه شده و عشقش این است که چهارشنبه‌ها برایش ترانه‌های کودکانه بخوانم و به او یاد بدهم و حالا من چهارشنبه‌ها تمام ترانه‌هایی را که خود مادر بادم داده بسود به او یاد می‌دهم. قصه ادامه داشت تا روزی که مادر صبر کرده بود تا چهارشنبه بشود و چشم بر دنیا ببندد و مریم‌بانو هنوز و همیشه به یاد سال‌های حیات مادر، چهارشنبه‌ها را در خانه سالمندان سیری می‌کند؛ با مادرهایی که اغلب او را با دختر سال‌ها ندیده خودشان اشتباه می‌گرفتند و برای مریم همه بوی مادر را داشتند.... به‌هرحال در همه کشورهای دنیا کلی هزینه و دانش صرف این می‌شود که به زوج‌هایی که توانایی فرزنددارشدن ندارند کمک کنند و کلی مراکز خیریه حاضر هستند با سپردن فرزندی به یک خانواده بی‌فرزند این یک غم آنها را از میان بردارند، اما سال‌ها می‌گذرد و فرزندان این روزها مثل پرستوهای مهاجر کوچ می‌کنند و من خالی از هر خودخواهی در دنیای امروز نمی‌دانم واقعا کدام غم بزرگ‌تر است؟ فرزند داشتن یا فرزندنداشتن؟ به‌گمانم این روزها مسئله این است.

جشنواره حساب های قرض الحسنه پس انداز بانک ملت

با ۵۵۵ جایزه ویژه



۱۵۵۶ کیلومترا سکناس ۵۰ هزارریالی معادل ۵۱۵/۱۵۱/۴۷۱ ریال برای ۱۰۰۰ نفر به تساوی

- ۱۰۰۰** کمک هزینه خرید صنایع دستی هریک به ارزش ۳۰ میلیون ریال
- ۵۰۰/۰۰۰** جایزه نقدی هریک به ارزش ۷۰۰ هزارریال
- آغاز دوره قرعه کشی و محاسبه امتیاز ۱/۱/۱۳۹۴
- مهلت افتتاح حساب یا افزایش موجودی تا ۳/۳/۱۳۹۵
- هر ۵۰۰ هزار ریال در هر روز یک امتیاز



www.bankmellat.ir



بسته پشتیبانی ویژه

مرکز تماس موبایل

۰۲۱ ۴۴۱۳۳۳۳